

تشیع و خاورشناسان

فصلنامه نقد کتاب

تاریخ

سال چهارم، شماره ۱۶
زمستان ۱۳۹۶

۱۱۲

● سید محمد باقر آقایی نیارکی
کارشناس ارشد تاریخ تشیع / B_aghaei@yahoo.com

چکیده

سابقه رقابت شرق و غرب به دوران باستان و جنگ‌های دو امپراتوری ایران و روم برمی‌گردد. اما با ظهور اسلام و گسترش آن به غرب وارد مرحله تازه‌ای شد. جنگ‌های صلیبی بود که غرب را متوجه عقب‌ماندگی خود نسبت به شرق کرد و آن‌ها را وادار به مطالعه بر روی شرق و دین و فرهنگ و علوم آن‌ها نمود. با هدفمند و شیوه‌مندشدن این مطالعات شرق‌شناسی یا orientalism متولد شد. نحوه مطالعه و تعامل این افراد با شرق و نیز دیدگاه شرقیان نسبت به آن‌ها متفاوت است. کتاب تشیع و خاورشناسان به بررسی این رشتۀ مطالعاتی پرداخته است. کتاب سعی داشته با دیدگاه‌های متفاوت شرق‌شناسان درمورد اسلام و تشیع و نیز نظر شرقیان نسبت به این افراد را بررسی کند. نویسنده تا حد قابل قبولی موفق به این امر شده است.

کلیدواژه

شرق‌شناسی، استشراف، مستشرقان، شیعه، تشیع، اسلام.

۱. مقدمه

مفهوم شرق و غرب از دوران باستان و رقبتها و جنگ‌های ایران و یونان و بعدها روم شکل می‌یابد. با مقایسه منابع قدیمی به‌نظر می‌رسد که غربیان تمایل بیشتری به شناخت شرق و ایران از خود نشان داده‌اند. با ظهور اسلام و ضعف و شکست دو امپراتوری ایران و روم غربی‌ها تا چند قرن از شرق بی‌اطلاع بودند و با ورود اسلام به اروپا و بهویژه اندلس و سپس جنگ‌های صلیبی غربیان به ضعف و عقب‌ماندگی خود نسبت به مسلمانان آگاهی یافتند و این آغاز راهی برای شناخت شرق و اسلام بود که درنهایت منجر به ننسانس در اروپا شد، اما بعد از آن هم مطالعه بر روی شرق ادامه یافت و کم‌کم اهداف آن تغییر کرد و به راهی برای استیلا و استعمار شرق منجر شد. تا



توانایی رنجبر، مریم. (۱۳۹۵)، *تشیع و خاورشناسان*،
تهران، بیکران دانش، ۲۰۷ ص، ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۳-۱۲-۷

فصلنامه نقد کتاب

ت امیرخ

سال چهارم، شماره ۱۶
زمس ۱۳۹۶—ستان

۱۱۴

این که شرق‌شناسی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی شناخته شد و مطالعات شرق‌شناسی جنبه‌های علمی و دانشگاهی یافت. در شرق هم نسبت به این شیوه شناختی غربیان نگاه‌های متفاوتی شکل گرفت. از کسانی که تمام شرق‌شناسان را عاملان استیلای غرب بر شرق و اسلام می‌دانستند تا کسانی که آن‌ها را خیرخواه شرق و اهدافشان را پیشرفت و توسعه جوامع عقیمانده شرقی می‌پنداشتند. البته کسانی هم بودند که نگاه میانهای داشته و معتقد به بررسی و نقد دقیق مستشرقان و آثارشان به تفکیک هر شخص بودند و از نتیجه‌گیری کلی دوری می‌کردند. نویسنده در کتاب خود سعی کرده است تا نگاهی اجمالی به تاریخچه شرق‌شناسی و جبهه‌گیری‌های متفاوت نسبت به آن داشته باشد.

۲. نقد و بررسی کتاب

این کتاب در قطع وزیری در ۲۰۷ صفحه توسط انتشارات بیکران دانش در سال ۱۳۹۵ و به عنوان چاپ اول در تعداد شمارگان ۱۰۰۰ نسخه چاپ شده است.

روی جلد کتاب عنوان *تشیع و خاورشناسان* با رنگ سبز و فونت خاصی چاپ شده است. فونت کلمه *تشیع* انتخاب مناسبی برای آن به نظر می‌رسد. روی جلد کتاب هم ذره‌بینی دارای حکاکی کلمه *Orientalism* به خاورمیانه متمرکز شده است و با رنگ‌بندی سبز (کمرنگ تا پررنگ) جمعیت شیعه‌نشین منطقه را نشان می‌دهد که می‌تواند بیانگر عنوان کتاب و هدف نویسنده از تألیف آن باشد. در مجموع ظاهر جلد کتاب به خوبی بیان کننده محتوای داخل آن است.

کتاب در یک مقدمه، پنج فصل و نتیجه‌گیری و پیشنهاد تنظیم شده است. نویسنده در مقدمه اهداف خود را از نگارش کتاب بیان کرده است که به دنبال بررسی نگاه مستشرقان به تشیع و اهداف و نتایج آن‌ها است.

فصل اول کتاب به کلیات و مفاهیم اختصاص داده شده است. ابتدا به علت پرداختن

فصلنامه نقد کتاب

تاریخ

سال چهارم، شماره ۱۶
۱۳۹۶ - زمان

۱۱۵

به آثار مستشرقان اشاره دارد و تعداد محدودی از آثار معروف در این زمینه را نام برده است. بخش دوم این فصل که حدود بیست صفحه از کتاب را شامل می‌شود با نام «مفهوم و الفاظ» به ترمینولوژی یا همان اصطلاح‌شناسی می‌پردازد. در بخش اول این فصل نویسنده فقط تعدادی از نامهای معروف در این حوزه را آورده است. بهتر بود نویسنده چون با عنوان فرعی آثار پیشین آورده است، قدری ریزتر به آن‌ها پرداخته و نوعی دسته‌بندی هم برای آن‌ها درنظر می‌گرفت و حداقل هر کدام را به همراه نویسنده‌گانشان معرفی دقیق‌تری می‌نمود.

اما بخش دوم که به تعریف اصطلاحات کتاب پرداخته است، مفصل و کاربردی است و از امتیازات این کتاب است. اصطلاحاتی که در این بخش تعریف شده‌اند عبارت‌اند از دین، اسلام، شیعه، تشیع، شرق، استشراق، مستشرق و شرق‌شناسی. نویسنده از نویسنده‌گان فارس، عرب و غربی برای بخش ترمینولوژی کتاب خود بهره برده است.

در فصل دوم خاستگاه تشیع از دیدگاه شیعه و اهل سنت بررسی و به رویدادهای مهم مرتبط با این موضوع پرداخته شده است. شیعه از زمان پیامبر(ص) وجود داشته و خود پیامبر(ص) دوستان و طرفداران حضرت علی(ع) را شیعه نامیده است. نویسنده مستندات قرآنی و روایی درمورد اثبات شکل‌گیری اعتقادات شیعه در زمان پیامبر(ص) آورده است. آیه‌های ولایت (مائده ۵۵) و اکمال دین (مائده ۳۰) و تفاسیر این آیات و نیز در بخش مستندات روایی احادیث یوم الدار و ثقلین را در اثبات ادعای وجود شیعه در زمان پیامبر(ص) ذکر کرده است.

در بخش بعدی این فصل خاستگاه تشیع از نگاه اهل سنت بررسی شده است. در این بخش هم ابتدا به نظر کسانی که ریشهٔ تشیع را در دوران حیات پیامبر(ص) می‌دانند، پرداخته است. بنابر نظر ابن ابی الحدید محدثانی که باوری نسبت به افضلیت و برتری حضرت علی(ع) نداشته و هیچ‌کس آن‌ها را به تشیع متهم نکرده است، حقیقت تشیع را دوستی حضرت علی(ع) و مقدم کردن آن حضرت بر شمرده‌اند. بر پایه روایاتی از جابر ابن عبدالله انصاری و عایشه استدلال شده است که بسیاری روایات در میان اهل سنت به وجود مفهوم شیعه در زمان پیامبر(ص) صحه می‌گذارند.

در مقابل، گروهی از اهل سنت معتقدند که شیعه بعد از پیامبر(ص) شکل گرفته است.

این‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) گروهی پیدایش شیعه را بعد از سقیفه می‌دانند؛

ب) گروهی که پیدایش شیعه را مرتبط با آرای عبدالله بن سبأ می‌دانند؛

پ) گروهی که پیدایش شیعه را به جنگ صفين و بهنبال پیدایش خوارج نسبت می‌دهند؛

ت) گروهی که زمان پیدایش شیعه را بعد از شهادت امام حسین(ع) می‌دانند؛

ث) عده‌ای نیز پیدایش شیعه را به ایرانیان و کینه آنان از خلیفه دوم نسبت می‌دهند.

در ادامه دیدگاه اهل سنت درباره اعتقادات شیعه بررسی می‌شود. در این بخش

تاریخ

سال چهارم، شماره ۱۶
۱۳۹۶ —————— سال

۱۱۶

هم همانند بخش قبل به طور محذا ماستندات قرآنی و روایی آورده شده و به بررسی نظرات علمای اهل سنت درمورد ادعاهای شیعه پرداخته است. آیات ولایت و اكمال دین آیاتی هستند که به نظر اهل سنت نسبت به شأن نزول و تفسیر آنها اشاره شده است. به همین ترتیب احادیث یوم الدار و ثقلین و دیدگاه اهل سنت درباره آنها بررسی شده‌اند. فضایل و مناقب حضرت علی(ع) از دیدگاه اهل سنت عنوان دیگری است که در ادامه این فصل به آنها اشاره شده است. علم، شجاعت، جهاد در راه خدا، فصاحت و بلاغت، عبادت و قرائت قرآن از جمله ویژگی‌هایی است که علمای اهل سنت درمورد آن حضرت لب به تمجید و تعریف گشاده‌اند.

رویدادهای مهم در تاریخ تشیع فصل پیاپی این بخش را به خود اختصاص داده است. در این فصل اتفاقاتی همانند وصیت پیامبر(ص) به حضرت علی(ع)، ماجراهی غدیر خم، ماجراهی سقیفه، خلافت آن حضرت و رویدادهای تاریخی تا زمان شهادت ایشان و خلافت امام حسن(ع) تا زمان شهادت آن حضرت ذکر شده‌اند. درنهایت نویسنده ظهور مفهوم شیعه را به زمان پیامبر(ع) ارجاع داده و اوج شکوفایی آن را دوره خلافت حضرت علی(ع) می‌داند. دوران امام حسن و امام حسین(ع) دوران سخت شیعه بوده است. با سقوط امویان و ظهور عباسیان ابتدا شیعه توانست به آرامش نسبی دست یابد، اما با قدرت گرفتن عباسیان دوباره دوران سختی شیعه فرارسید و تا ظهور آل بویه ادامه یافت. درنهایت با قدرت گرفتن صفویه شیعه دین رسمی ایران شد و شیعیان توانستند آزادانه به فعالیت‌های مذهبی خود بپردازند.

نویسنده فصل سوم از کتابش را به بررسی خاستگاه تشیع از دیدگاه مستشرقان اختصاص داده است. در ابتدای فصل نظر گلزاری درمورد خاستگاه تشیع آمده است که آن را به جنوب عربستان یعنی یمن و سبا و ریشه‌گرفته از گنوسیزم هند و ایرانی در آن سرزمین می‌داند. عمار یاسر، حذیفه بن یمانی به همراه سلمان فارسی هسته گنوستیک یا همان اهل صفة رادر مدینه به وجود آوردن که بعدها هسته تشیع شد. در ادامه این فصل، نظر مستشرقان درمورد زمان ایجاد تشیع به دو بخش تقسیم می‌شود:

(الف) کسانی که ریشهٔ تشیع را در زمان پیامبر(ص) می‌دانند. در این جمع از شرق‌شناسانی همچون کنستان ویرژیل گیود، جویس ان. دیلی نام برده و مختصراً از نظراتشان را بیان می‌کند. در ادامه این بخش چند نمونه از آثار ادبی مسیحیان درمورد حضرت علی(ع) ذکر می‌شود. ایمل الحاج، حنا فاخوری، آناتول مراد و فؤاد جرداق از جمله دانشمندانی و روزنامه‌نگارانی هستند که نظراتشان درمورد حضرت علی(ع) در کتاب آورده شده‌اند. درمجموع تمام این نظرات مبتنی بر همزادی تشیع و اسلام است.

(ب) کسانی که ایجاد تشیع را به بعد از رحلت پیامبر نسبت می‌دهند. این بخش خودش به چند بخش دیگر تقسیم‌بندی می‌شود:

اول کسانی که تشیع را مولود سقیفه می‌دانند. شرق‌شناسانی همچون برنارد لویس، فرانسوا توال، دوایتم رونالدس، جان نورمن هالیستر و خانم

لالانی معتقد به این نظریه هستند.

دوم معتقدان به این نظر که تشیع را مولود جریان قتل عثمان و بیعت با علی(ع) می داند و افرادی چون هاینس هالم، مارشال.گ.س.هاجس، ر.آنیکلسون، کارل بروکلمان، ویلفرد مادلونگ از این نظر دفاع می کنند.

سومین نظر ریشه گرفتن تشیع را به زمان جنگ جمل تا شهادت حضرت علی(ع) بر می گرداند و لهوزن، اچ.آربری و رنات قائلین به آن هستند.

چهارمین نظریه اعتقاد دارد که شیعه از واقعه عاشورا نشأت می گیرد. بروکلمان از جمله کسانی است که معتقد به این نظریه هستند.

پنجمین و آخرین نظریه هم به این اعتقاد اختصاص دارد که شیعه را ایرانیان ایجاد کرده اند. جان آربری، بر تولد اشپولو از پژوهشگرانی اند که از این نظریه دفاع می کنند.

در پایان هم در بخش نقدی بر این نظریه ها نویسنده به شباهت مراسم عزاداری امام حسین(ع) با چیزی که در قدیم برای سیاوش مرسوم بوده اشاره کرده و آن را مردود دانسته است. همچنین شباهت بین امامت در شیعه و سلطنت موروئی در ایران و نیز ریشه الهی امامت و فره ایزدی در شاهان ایرانی را دو چیز متفاوت بیان می کند. در مورد ازدواج دختر یزدگرد سوم با امام حسین(ع) هم ضمن تردید در سنديت آن اشاره می شود که بخش وسیعی از ایران تا قرن نهم هجری بر مذهب تسنن بودند.

در پنجمین نظریه نویسنده شماره جان آربری و اشپولو را ۴ و ۵ قرار داده است که ظاهر ا در ادامه شماره های نظر سوم یعنی ایجاد شیعه پس از جنگ جمل است. علت این نوع شماره گذاری مشخص نیست. در کل تقسیم بندی نظریات مستشرقان خوب است، ولی جا داشت بر روی پرسش اصلی کتاب بیشتر کار می شد؛ در حالی که عمدتاً این بخش به دیدگاه تشیع و تسنن پرداخته است. شناخت کامل مستشرقان، زبان، ملیت و آثار آن ها نکاتی است که کمبود آن به چشم می آید.

در بخش «زمینه ها و علل پیدایش تشیع از نگاه مستشرقان»، نویسنده به نقد برخی نظرات مستشرقان می پردازد. دوباره دسته بندی دیگری برای نظرات مستشرقان در مورد علل پیدایش تشیع ارائه می دهد و تحت سه عنوان کلی «کسب قدرت سیاسی»، «حمایت و همراهی با علی(ع)» و «سیاست انتقام از خلفاً و مخالفت با نظام موجود» به ارائه چند جمله کوتاه از برنارد لوئیس، هاینس هالم، لهوزن، ناث، هالیستر، جورج شکور، لوتروب ستوارد و ادوارد براون به نقد مختصراً در چند مورد از آن ها بسته می شود.

در فصل چهارم نویسنده به بررسی اهداف مستشرقان می پردازد. او دیدگاه های مختلف در مورد اهداف شرق شناسان را به سه بخش تقسیم می کند: نظریه بدینانه، نظریه میانه و نظریه خوشبینانه.

در نظر بدینانه مستشرقان با اهدافی نظیر سلطه گری، تبشيری و تضعیف اسلام در کشورهای اسلامی حضور یافته اند. در ادامه ضمن اشاره به آیاتی از قرآن در مورد

سلطه‌گری یهود و نصارا به توضیح انگیزه‌های تبشيری می‌پردازد. سپس از پرچم‌داران تبشيری غربی در جهان اسلام نام می‌برد؛ کسانی چون پاپ رایموند لولوس، یوحنا مقدسی، پطرس و دیگران. گلذیهر قرآن‌شناس یهودی است که ضمن معرفی به برخی از نظرات بدینانه وی در زمینه حدیث اشاره شده‌است. پطرس و ولیام مونتمگمری وات هم به طور مختصر معرفی شده‌اند.

در مورد اغراض استعماری و استیلای سیاسی و فرهنگی غرب در جهان اسلام شواهدی از ادوارد سعید، گلاستون، اولریخ گرکه و مصطفی سباعی آورده شده‌است. سباعی در مورد مأموریت‌های استعماری کارشناسان فرهنگی سفارتخانه‌های غربی به مواردی همچون شناسایی رجال تصمیم‌گیر کشورها، القای ایده‌های مطابق با سیاست‌های دولت مطبوعه، برقراری ارتباط با این افراد، ایجاد تفرقه بین دولتهای عربی و نیز شناسایی موضع‌گیری‌ها و آرمان‌های مخالف استعماری در میان ملت‌ها و خنثی‌سازی آن‌ها می‌توان اشاره کرد.

انگیزه‌های علمی دیگر اهدافی است که در این کتاب برای مستشرقان برشمرده شده‌است. در آغاز قرن بیستم بود که عده‌ای از متفکران غربی به این نتیجه رسیدند که تاریخچهٔ شرق‌شناسی با اهداف استعماری آمیخته است و برخی نیز این پیشینه احساس شرمندگی کردند. نتیجهٔ این اندیشه‌ها ظهور گروهی از مستشرقان منصف و خادم بوده‌است. جان جاکوب، ادوارد سعید، هانری کرین افرادی هستند که نویسنده به بررسی مختصر عقاید و آثار آن‌ها پرداخته است.

انگیزه‌های روانی از انگیزه‌هایی است که برخی مستشرقان برای هموار کردن راه سلطهٔ غربیان بر شرق و جهان اسلام از آن بهره برده‌اند و با توجیه بهظاهر عقلی و علمی خود را برتر و شرقیان را عقب‌مانده خوانده‌اند. در این رابطه سخنانی از امام خمینی(ره) درجهت افشان‌مودن توطئهٔ غربیان در انتهای این بخش ذکر شده‌است.

در مورد نظر میانه، نویسنده معتقد است که این گروه منصفانه پدیده استشراق را بررسی می‌کنند؛ یعنی در کنار نقاط منفی، به نقاط مثبت پژوهش‌های مستشرقان رانیز توجه دارند. اینان معتقدند تلازمی بین غربی یودن و خیانت نیست. در این بخش ضمن اشاره به نظرات برخی صاحب‌نظران از جمله دکتر محمدحسین علی صغير که معتقد است برخی مستشرقان برخورشان با قرآن بسیار والاتر از برخورشان با انجیل و تورات بوده‌است؛ دیدگاه امام خمینی(ره) را تجلی اعتدال و هوشمندی در برایر دشمن می‌داند. نظر خوش‌بینانه از آن کسانی است که مستشرقان را دلسوز شرقیان دانسته و ارتقاء اطلاعات مسلمین را درجهت معارف و میراث اسلامی مرهون تلاش بی‌وقفه اینان می‌دانند. ابوالقاسم سحاب، محمد فرید وجدي و طه حسین از جمله کسانی هستند که در این بخش از آن‌ها یاد شده‌اند. جلال آل احمد و ادوارد سعید از کسانی معرفی شده‌اند که نسبت به این دیدگاه غرب‌گرایانه انتقاد داشته‌اند.

در بخش «برخورد دانشمندان مسلمان با جریان استشراق» ابتدا به دو نظر در مورد

اعجاز قرآن اشاره شده است. اول کسانی که معتقدند پیامبر اکرم همانند پیامبران گذشته از معجزه استفاده نکرده است و گروه دوم که قرآن را در همه ابعاد معجزه می‌دانند. نظریه سوم هم از آن کسانی است که اعجاز قرآن را ز آن رو می‌دانند که خداوند قادرت آوردن مثل آن را از انسان سلب کرده است.

سپس به نظریاتی از دانشمندان و محققان غربی درمورد وحی اشاره می‌شود که وحی را تجلی شخصیت باطنی یا بلوغ اجتماعی حضرت محمد(ص) دانسته‌اند. نویسنده در ادامه به دیدگاه فیلسوفان مسلمان در ارتباط با وحی اشاره می‌کند و نظرات کسانی چون فارابی، ابن سینا و صدرالمتألهین، شهید مطهری، ملا عبدالرازاق لاهیجی، محمد رشید رضا، فخر رازی و طبرسی در این مورد را بررسی می‌کنند و نقد شهید مطهری بر سخن اقبال لاهوری را نیز بیان می‌نمایند.

فصل پنجم با عنوان مراحل استشراق به تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف استشراق می‌پردازد و بنابر گفته متن جدیدترین تقسیم‌بندی‌ها را که مبنی بر چهار مرحله است، توضیحی می‌دهد. این مراحل عبارت‌اند از:

مرحله مذهبی و رابطه آن با تبشير؛

مرحله سیاسی و استعماری؛

مرحله علمی و آکادمیک.

در این بخش ضمن این که از یوحنای دمشقی که مسیحی و در دربار امویان است، به عنوان اولین مستشرق یاد شده که با دیدی مغرضانه به نقد اسلام پرداخته است. کلیسا که دین اسلام را رقیب جدی برای آین مسیحیت می‌دید به آن نام لقب دین تمرد داد. دلیلی که بر شروع استشراق با انگیزه‌های مذهبی و تبشاری آورده شده این است که اولین گروه مستشرقان، کلیسا و رهبران آن بودند. نظرات فرانسوسی بلو و رودی پارت در این باره ذکر شده است.

بعد از آشنایی غربیان به‌ویژه ارباب کلیسا با اسلام و نفوذ این دین در میان مردم غرب، حاکمان با همراهی کلیسا جنگ‌های صلیبی ۲۰۰ ساله را آغاز کردند که به آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها با پیشرفت‌های دنیای اسلام انجامید. در نتیجه این جنگ‌ها انتقال علم و تمدن به غرب انجام گرفت و غارت کتابخانه‌ها و نسخ خطی مسلمین آغاز شد. این جنگ‌ها درنهایت به تصفیه دنیای اسلام و قوع رنسانس در اروپا کمک کرد و راه را برای استیلای غرب بر دنیا باز نمود.

استشراق از نیمة سده هجدهم وارد مرحله سیاسی و استعماری خود شد و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه پیدا کرد. استعمار با تأسیس شرکت هلندی در هند پای در شرق نهاد تا این که در اواخر قرن نوزدهم بیشتر ممالک اسلامی و شرق تحت نفوذ آن قرار گرفت. در این مرحله غرب جهت اهداف استعماری خود محققان زیادی را تربیت کرد. در ادامه نویسنده با ارجاع به سخنان ماسکسیم رودنسون انقلاب اسلامی را نابود کننده

آمال و آروزهای استعماری غرب معرفی می‌کند.

پس از جنگ جهانی دوم بود که استشراق وارد مرحله علمی و آکادمیک خود شد. در این دوره عده‌ای از مستشرقان منصف به انتقاد از سابقه استعماری و تبشيری شرق‌شناسی پرداخته و شرق‌شناسی را وارد «دوره واقع‌نگری» کردند. مستشرقان منصفی که در کتاب به آنان اشاره شده‌است، جان یعقوب رایسکه آلمانی، جرج جرداق و ادوارد سعید هستند. نویسنده فراگرفتن زبان‌های اصلی مثل سامی و آربائی، متخصص‌شدن در یک رشته، داشتن اطلاعات گسترده و پشت کار را از ویژگی‌های مثبت شرق‌شناسان منصف بر می‌شمرد. گذشته از اهداف استعماری و تبشيری و نیز خیانت‌های مستشرقان آن‌ها خدماتی هم انجام داده‌اند؛ از جمله تأسیس کتابخانه تخصصی شیعه و مقالات شیعه در دایرة المعارف‌ها و پژوهش‌ها.

فصل آخر هم به نتیجه‌گیری اختصاص یافته و با پیشنهادهایی از سوی نویسنده پایان می‌یابد. نویسنده به این نتیجه رسیده‌است که مستشرقان هرچه سعی کنند نمی‌توانند به روح اسرارآمیز شرق دست یابند.

پیشنهادهای نویسنده:

- مطالعه جامع هر کدام از مستشرقان به طور جداگانه؛

- ایجاد گروه‌های مطالعاتی شرق‌شناسانه؛

- مطالعه عمیق‌تر در ارتباط با اهداف مستشرقان و دستهای پنهان و آشکار حامی آن‌ها؛

- جهت‌دهی به پژوهش‌ها جهت معرفی بنیان‌های استوار شیعه.

در پایان هم فهرست منابع بالغ بر ۱۹۰ منبع ارائه شده‌است. البته در کتاب شماره ۱۹۱ هم چاپ شده‌است، اما حاوی هیچ عنوانی نیست و شاید اشتباه چاپی باشد یا منبعی نبوده یا بوده و چاپ نشده‌است.

۳. نتیجه‌گیری

مریم توانایی رنجر نویسنده کتاب تشیع و خاورشناسان سعی داشته‌است تا ابعاد مختلف شرق‌شناسی را بررسی کند. کتاب با ترمینولوژی آغاز شده‌است که از نکات مثبت کتاب محسوب می‌شود. طرح جلد کتاب و فهرست مطالعه ارائه شده تاحد زیادی مناسب است. با توجه به فهرست منابع می‌شود دریافت که میزان ارجاع به منابع نویسنده‌گان غربی نسبت به کل منابع کم است. از دیگر کاستی‌ها کتاب ارائه نظرات شرق‌شناسان نسبت به عقاید و تاریخ شیعه و نیز مقایسه شیعه و سنی در منابع آن‌ها است. گرچه نویسنده در انتهای پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر پدیده شرق‌شناسی ارائه کرده‌است، اما خود نیز می‌توانست شرق‌شناسان را طبقه‌بندی کند و طبق آن به طور منسجم و منظم‌تر به بررسی مستشرقان اروپایی پردازد. درنهایت این کتاب می‌تواند قدمی رو به جلو برای شناخت شرق‌شناسان و در ادامه شناخت غرب باشد.